



مروری بر جذب سرمایه داخلی و خارجی؛ با توجه به منابع و زمینه های غنی سرمایه - گذاری ایران

مآئده السادات محمودیان

دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشگاه غیر انتفاعی شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
m.mahmoudian@ashrafi.ac.ir

چکیده:

در اقتصاد بازار در حال ظهور، سرمایه گذاری نقش مهمی ایفا می کند. توان مالی کشور اقتصاد را در سطح قابل قبولی با ثبات نگه می دارد. امروزه سرمایه گذاری نقش مهمی در توسعه پایدار اقتصاد هر کشور ایفا می کند. کشور ما با داشتن منابع بسیار غنی نیاز به سیاست سرمایه گذاری فعالی در زمینه های مختلف دارد از جمله سرمایه گذاری در برنامه ها و پروژه های موجود و برنامه ریزی شده برای توسعه، نوسازی، تسریع پیشرفت علمی و فناوری، تجهیز مجدد فنی و فناوری بخش واقعی و بخش های پیشرو اقتصاد و ... در این میان سهم سرمایه گذاری خارجی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مقاله ضمن بررسی پژوهش های انجام شده در این زمینه سعی شده است که نتایج این تحقیقات را به طور خلاصه بیان نماید.

واژه های کلیدی: جذب سرمایه گذاری، سرمایه گذاری داخلی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی

مقدمه

انباشت سرمایه به لحاظ نظری یکی از پیش نیازهای اساسی فرآیند رشد اقتصادی به شمار می رود که می تواند از منابع مالی داخلی (پس اندازها) و خارجی تأمین مالی شود. منابع مالی خارجی نه تنها مکملی برای پس انداز داخلی بوده و در واقع، شکاف پس انداز - سرمایه گذاری را پر می کند، بلکه راه حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی است. در کشورهای در حال توسعه، منابع مالی خارجی شامل کمک های دوجانبه کشورهای توسعه یافته، جریان های مالی ناشأ گرفته از منابع متعدد، نظیر بانک جهانی و بانک های منطقه ای، سرمایه گذاری غیرمستقیم خارجی (FPI) و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) است. فارغ از پیامدهای دو مورد اول که در واقع، بحران بدهی ها و مشکلات مربوط به خدمات بدهی را در بر داشته و اغلب از سوی دولت ها و مؤسساتی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت می گیرد، دو مورد اخیر بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت های چندملیتی (MNCs) صورت گرفته و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می شود. (Berclay, 2000) سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی است. افزایش سرمایه گذاری منجر به افزایش تولید، افزایش ارزش افزوده، افزایش درآمد، افزایش رفاه، افزایش اشتغال، کاهش نرخ بیکاری و کاهش فقر می شود. امروزه اهمیت سرمایه گذاری بر کسی پوشیده نیست. در تئوری های اقتصادی، سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی شناخته شده و لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی، داشتن رشد اقتصادی مناسب، مداوم و مستمر است. از دیدگاه اقتصادی، سرمایه گذاری خالص مثبت و مستمر، بستر لازم را برای توسعه فراهم می آورد و سرمایه فنی لازم را ضمن آنکه: برای این مهم تشکیل می دهد (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۳) سرمایه گذاری دولت ها را بر آن داشته تا به منظور دستیابی به یک اقتصاد توسعه یافته و پویا، توجه ویژه ای به آن معطوف دارند. با توجه به اهمیت سرمایه گذاری و بالا بودن نرخ بیکاری در ایران، اقدامات مهمی در توسعه سرمایه گذاری داخلی و خارجی انجام شده است. برای جذب سرمایه گذاری با تسهیل در قوانین



و مقررات، تخصیص اعتبارات خاص، اعطای یارانه، معافیت های مالیاتی، اجرای طرح ها و پروژه های مهم سرمایه گذاری، تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی و تصویب قانون سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی، انتظار می رود جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی روند رو به رشدی به خود بگیرد که همه این اقدامات با توجه به اهمیت موضوع سرمایه گذاری، نیاز کشور به تأمین مالی پروژه ها، انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال مناسب و... صورت گرفته است. (دودانگی، ۱۳۹۵) اثر ورود سرمایه بر رشد اقتصادی در طول زمان در حال تقویت است و از بین جریانات سرمایه گذاری نقش^۱ (FDI) خارجی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثرگذارترین متغیر را بر رشد اقتصادی کشورها در صحنه اقتصادی بازی می کند و به لحاظ ماهیت و انگیزه های ایجاد کننده آن، از افق روشن تر و باثبات تری جهت استفاده در برنامه ریزی های اقتصادی که هدف رشد را مدنظر دارند، برخوردار است. (مهردوی، ۱۳۸۳: ۲۰۵)

مبانی نظری

کینز معتقد بود که سرمایه گذاری از پارامترهای اصلی در تقاضای کل بوده و افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش تقاضای کل و افزایش درآمد ملی می شود (تقوی، ۱۳۸۲: ۵۹). برای تبیین رفتار سرمایه گذاری، تئوری های مختلفی ارائه گردیده که مهم ترین آن ها عبارتند از نظریه وجوه داخلی سرمایه گذاری، تئوری شتاب سرمایه گذاری، تئوری نئوکلاسیک توپین. در تئوری وجوه داخلی Q سرمایه گذاری و تئوری سرمایه گذاری، سرمایه گذاری تابعی از سود در نظر گرفته می شود، در نظریه شتاب فرض بر این است که سرمایه گذاری ناخالص، تابعی مستقیم از سطح تقاضای کل و تابعی معکوس از موجودی سرمایه دوره قبل است (رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۹۲)

در اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل پایین بودن سطح پس انداز، درآمد ناچیز، بازدهی نازل، نرخ رشد جمعیت بالا، کمبود تجهیزات سرمایه ای، توزیع نابرابر درآمد، فقدان مؤسسات مالی سازمان یافته، عقب افتادگی اقتصادی و تکنولوژی و کسری بودجه، سرمایه گذاری داخلی انجام شده در حد مطلوب نمی باشد و این کشورها جهت جبران عقب ماندگی متوسل به کشورهای دیگر شده و با استقراض از کشورها و شرکت ها و مؤسسات مالی، امتیازات سنگینی نیز به مؤسسات وام دهنده داده می شود و بعضاً نیز از منابع جذب شده استفاده بهینه ای نمی شود. در خصوص سرمایه گذاری خارجی و انواع جریان های بین المللی سرمایه تقسیم بندی هایی وجود دارد که به طور کلی جریان سرمایه های بین المللی را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول شامل وام ها، امانه ها و منابع دیگر تأمین مالی، می باشد که شامل تأمین مالی اعتباری، وام های قراردادی امتیازات بازرگانی یا صادراتی و انواع دیگر وام ها و اعتبارات می شود. دسته دوم شامل سرمایه گذاری خارجی است که به دو دسته اصلی سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می شوند. (برخورداری، ۱۳۸۶: ۷)

سرمایه گذاری خارجی از مهم ترین پدیده های اقتصادی دهه های اخیر است که ضمن تأمین منابع مالی مورد نیاز توسعه اقتصادی کشورها به انتقال تکنولوژی به کشورهای میزبان که اکثر آن ها را کشورهای در حال توسعه تشکیل می دهند کمک شایانی می کند. (خداوینی و همکاران، ۱۳۹۸) از میان انواع مختلف سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری مستقیم به دلیل مزیت های عمده ای مانند انتقال تکنولوژی، ارتباط با بازارهای بین المللی، انتقال مهارت های مدیریتی، منبعی مناسب برای انباشت سرمایه و به دنبال آن ارتقای رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در رفع

¹ - Foreign direct investment (FDI)



شکاف پس انداز سرمایه گذاری، انتقال تکنولوژی، دانش فنی و تکنیک های جدید مدیریتی و به طور کلی در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می کند، در میان کشورهای جهان رقابت شدیدی برای جذب آن وجود دارد. (جرجزاده، ۱۳۹۸)

سرمایه گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه صندوق بین المللی پول سرمایه گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری بجز موطن فرد سرمایه گذار انجام می شود و هدف سرمایه گذار از این سرمایه گذاری آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد (طیبی و دیگران، ۱۳۸۷) افزایش در سرمایه گذاری می تواند منجر به افزایش بنیه اقتصادی کشور، کاهش واردات، افزایش ذخایر ارزی و حرکت سریع به سوی پیشرفت اقتصادی گردد. سرمایه گذاری را می توان به دو بخش خصوصی و دولتی تقسیم نمود؛ سرمایه گذاری خصوصی معمولاً (نه لزوماً) از کارایی بیشتری نسبت به سرمایه گذاری دولتی برخوردار است. (حاجی و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۰۰) به بیان دیگر می توان گفت سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، فرآیندی است که با آن یک کشور مالکیت برخی دارائی های کشور دیگر را به هدف تولید، توزیع و دیگر فعالیت ها به دست می آورد. (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶) نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد که جذب FDI در کشورها تنها از طریق آزادی ورود سرمایه های خارجی و ایجاد انگیزه مالی در آن ها صورت نمی پذیرد، بلکه مؤلفه های دیگری از جمله امنیت، مخاطره سیاسی، درجه آزادی اقتصادی، فضای کسب و کار و بوروکراسی اداری نقش مهمی در جذب FDI دارند. (جانی، ۱۳۹۶)

3

برای اینکه FDI بتواند نقش مؤثری در رشد اقتصادی یک کشور داشته باشد می بایست زیرساخت های اقتصادی و بسترهای مناسب برای جذب آن فراهم شده باشد که این به معنای رشد اقتصادی در مرحله پیش از جذب FDI است. برای مثال، اثر سرریز انتقال فناوری از طریق FDI تنها در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که ظرفیت های جذب مناسب در کشور میزبان وجود داشته باشد. (هانسن و راند، ۲۰۰۶) شری وجود دو نوع از نهادها را برای توسعه ضروری می داند: ۱. نهادهایی که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تأثیر می گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آن ها حفاظت می کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می دهند. ۲. نهادهایی که با کاهش هزینه های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می کنند. (شرلی، ۲۰۰۸) سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) رشد اقتصادی را از طریق انباشت سرمایه و نیز سرریزهای دانش بهبود می بخشد. (پورشهبابی و همکاران، ۲۰۱۱)

یکی از اولین کسانی که در چارچوب بازارهای ناقص به تبیین سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخت، هیمر (Hymer) بود که به منظور تفکیک سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی، لزوم کنترل سرمایه از سوی سرمایه گذار را خاطر نشان کرد و نظریه های پیشین را به دلیل فروض بسیار ساده آن ها زیر سؤال برد. به اعتقاد وی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بازارهای ناقص تحقق پیدا می کند و از این رو، وی با اتخاذ رویکرد سازمان دهی صنعتی، به تبیین رفتار شرکت های چندملیتی پرداخت. (Barceley, ۲۰۰۰)

کنیز معتقد بود که سرمایه گذاری از پارامترهای اصلی در تقاضای کل بوده و افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش تقاضای کل و افزایش درآمد ملی م ی شود (تقوی، ۱۳۸۲: ۵۹) برای تبیین رفتار سرمایه گذاری، تئوری های مختلفی ارائه گردیده که مهم ترین آن ها عبارتند از نظریه وجوه داخلی سرمایه گذاری، تئوری شتاب سرمایه گذاری، تئوری نئوکلاسیک توپین. در تئوری وجوه داخلی Q سرمایه گذاری و تئوری سرمایه گذاری، سرمایه گذاری تابعی از سود در نظر گرفته می شود، در نظریه شتاب



فرض بر این است که سرمایه گذاری ناخالص، تابعی مستقیم از سطح تقاضای کل و تابعی معکوس از موجودی سرمایه دوره قبل است (رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۹۲)

پیشینه داخلی:

میرمهدی حسینی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان ارائه الگویی برای تعیین عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه گذاری در مناطق تجاری - خارجی (مورد مطالعه: تجاری - خارجی ارس) سرمایه گذاری را یکی از مهم ترین متغیرهای کلان در اقتصاد محسوب دانسته که تحت تأثیر عوامل متعدد متغیرهای پولی و مالی و سازمانی، ساختاری قرار دارد. جامعه آماری در این تحقیق کارشناسان منطقه تجاری خارجی ارس، اساتید و صاحب نظران آشنا با مقوله مناطق آزاد ارس و همچنین سرمایه گذاران داخلی و خارجی واقع در منطقه آزاد تجاری خارجی ارس را در بر می گیرد و نتایج حاصل از انجام این پژوهش بیانگر این امر است که عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه گذاری در مناطق تجاری - خارجی ارس توانسته است بر جذب سرمایه تأثیر گذار باشد.

محمد جواد نظری و همکاران (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان شناسایی موانع جذب سرمایه گذاری در استان فارس انجام داده اند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و اولویت بندی عواملی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مانع جذب سرمایه گذاری در استان فارس می گردند. نتایج نشان می دهد مشکل دریافت تسهیلات از بانکها، بی ثباتی در قیمت مواد اولیه، عدم امنیت سرمایه گذاری، عدم ثبات نرخ ارز، و بوروکراسی و تشریفات غیر ضروری و طولانی بودن زمان اخذ مجوز و استعلامها به ترتیب از مهم ترین موانع جذب سرمایه گذاری در استان فارس به شمار می روند.

علیرضا جرجزاده و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیرگذاری تحریم اقتصادی و سایر عوامل بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو اوپک سرمایه گذاری مستقیم خارجی را یکی از مجاری مهم تأمین مالی (سرمایه) در سطح بین المللی دانسته و معتقدند ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی علاوه بر جبران کمبود سرمایه، موجب انتقال فناوری، ورود سرمایه انسانی متخصص، مدیریت و دانش می شود. هدف از این مطالعه بررسی تأثیرگذاری عوامل اقتصادی، طبیعی، سیاسی و حقوقی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو اوپک برای دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۳ بوده این پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) در قالب الگوی داده های تلفیقی انجام شده است. نتایج بیانگر آن است که اندازه بازار، درجه باز بودن اقتصاد، سلامت جامعه، ذخایر نفتی و حاکمیت قانون اثر مثبت و معناداری بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد و تحریم اقتصادی عامل مهمی در کاهش جذب سرمایه خارجی بوده است.

سیاوش جانی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان تأثیر سطوح مختلف نهادی بر جذب سرمایه گذاری خارجی در کشورهای حوزه سند چشم انداز انجام داده است که در این مطالعه تأثیر سطوح مختلف نهادی بر جذب FDI در کشورهای حوزه سند چشم انداز (کشورهای جنوب غرب آسیا) طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است نتایج نشان می دهد که اصلاحات نهادی در سطح خرد یا کلان به تنهایی نمی توانند در جذب FDI مؤثر باشند و باید به اصلاحات سطح نهادی خرد و اصلاحات در مؤلفه هایی از سطح نهادی کلان که بر سطح نهادی خرد مؤثرند، توجه شود. همچنین تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز تأثیر مثبت و معنادار و نرخ تورم تأثیر منفی و معنادار بر جذب FDI دارند که مطابق با انتظارات تئوریک می باشد.



محمد دودانگی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران سرمایه‌گذاری را به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی دانسته که افزایش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش تولید، افزایش ارزش افزوده، افزایش درآمد، افزایش رفاه، افزایش اشتغال، کاهش نرخ بیکاری و کاهش فقر می‌شود که با توجه به برآزش مدل‌های اقتصادسنجی نتایج علمی اخذ شده این تحقیق به شرح زیر است: بررسی‌ها نشان می‌دهد که نوسانات قیمت و درآمد نفت خام، ضمانت‌ها و قراردادهای بین‌المللی، نوسانات مؤثر نرخ ارز و نرخ تورم بالا باعث افزایش میل به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نیل به رشد اقتصادی باثبات و مثبت در ایران شده است و علی‌رغم تمایلات مثبت، میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به میزان کافی نبوده است. ارزیابی نتایج حاصل از مدل‌های اقتصادی نشان داده که عوامل متعددی از هزینه‌های بخش دولتی، نرخ تورم، درجه باز بودن، GDP، جمله درآمد ملی اقتصادی، سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میزان کل سرمایه‌گذاری مؤثر بوده است.

محمد رضا ناهیدی و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ارس و اولویت‌بندی آن‌ها براساس فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام داده‌اند هدف از پژوهش، تعیین عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه‌ی آزاد ارس می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده همهٔ موارد (عامل امکانات، عامل قوانین و مقررات، عامل سیاست‌گذاری، عامل مدیریت، عامل مکان‌یابی) از جمله عوامل مؤثر بر جذب سرمایه در منطقه آزاد ارس محسوب می‌شوند. نتایج تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) مبین این نکته است که اثر سوء سیاست‌گذاری‌های دولت در سطح کلان جامعه و عدم شفافیت و کارایی پاره‌ای از قوانین و مقررات مربوط به مناطق آزاد به ترتیب با ضریب اولویت ۰،۱۲۹۰ و ۰،۱۲۳۰، مهم‌ترین مشکل منطقه در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود. عدم برخورداری از سطح مدیریت اجرایی قوی و کارا در منطقه آزاد ارس با ضریب اولویت ۰،۱۱۱۹، کمبود امکانات زیربنایی و خدمات عمومی در منطقه آزاد ارس با ضریب اولویت ۰،۱۰۸۵ و مکان‌یابی با ضریب ۰،۰۹۸۶ در رده‌های بعدی قرار دارند.

سعیدی و میعادی به بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی با توجه به شاخص‌های کسب و کار (شاخص‌های استاندارد بین‌المللی) می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که بین شاخص‌های شروع کسب و کار، اخذ مجوزهای لازم، اشتغال، ثبت اموال، حمایت از سهامداران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، لازم‌الاجرا شدن قراردادهای و پایان کسب و کار با جذب سرمایه‌گذاری خارجی رابطه معناداری وجود دارد و بین شاخص اخذ اعتبارات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی رابطه معناداری وجود ندارد (سعیدی و میعادی، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

پیشینه خارجی:

سینویکین و رایلین (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اندازه دولت، نرخ مالیات، و سرمایه‌گذاری خصوصی از طریق روش‌های تجزیه و تحلیل سیستماتیک، منطقی و مقایسه‌ای از مبانی نظری، تجزیه و تحلیل آمار توصیفی، تحلیل‌های خوشه‌ای سلسله‌مراتبی و روش‌های همبستگی پرداختند. این مطالعه برای کشورهای اتحادیه اروپا و در طول دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۳ انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که اندازه دولتی و بار مالیاتی نمی‌توانند به عنوان عوامل مخرب سرمایه‌گذاری خصوصی مورد توجه قرار گیرند و بایستی به جنبه‌های کیفیت دولت و تأثیر هزینه‌های دولت توجه شود.

والی و مسیح (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقای جنوبی پرداخته‌اند، آن‌ها با استفاده از داده‌های سری زمانی بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ به این نتیجه رسیده‌اند که بین سطح تورم و سرمایه‌گذاری



مستقیم خارجی در آفریقای جنوبی رابطه معکوسی وجود دارد که این امر نشان می‌دهد با افزایش تورم میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش می‌یابد.

آندینور (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای طی بررسی رابطه بین تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در کشور غنا به این نتیجه رسیده است که نرخ تورم پایین به عنان نشانه‌ای از ثبات اقتصادی داخل کشور می‌زبان، سبب افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.

ارشد (۲۰۱۲) به بررسی برخی از عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۶ کشور در حال توسعه آسیایی طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۹ پرداخته است. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که نرخ ارز، یارانه مالیاتی، ذخایر خارجی، تولید ناخالص داخلی و سیاست‌های مالی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرگذار بوده است.

اوباما و اومانخان لن (۲۰۱۱)، در تحقیقی، تأثیر نرخ تورم و نرخ ارز را بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور نیجریه و همچنین تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی این کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از داده‌های سری زمانی بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تورم بر روی سرمایه‌گذاری خارجی تأثیری ندارد، در حالی که خود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد اقتصادی کشور نیجریه رابطه مثبتی دارد.

تو و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان سرریزهای فناوری FDI در منبع یابی از محلی و خارج از کشور، دریافتند که اثر سرریز تکنولوژی یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی کسب منفعت شرکت‌های داخلی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور می‌زبان ایفا می‌کند (تو و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۹)

نتیجه‌گیری :

نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که با تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه توزیع ناعادلانه منابع مالی و افزایش نامتقارن در رشد اقتصادی برخی استان‌ها، نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و همین امر مانعی برای رشد محسوب می‌شود. با افزایش تولید سرانه هر کارگر و سودآوری بالقوه آن، افزایش نرخ تورم و نسبت شهرنشینی و بهبود کارایی تولید از طریق مخارج تحقیق و توسعه باعث جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود. (خانزادی و همکاران، ۱۳۹۷) بازار سرمایه در ایران تحت تأثیر عوامل متعدد اقتصادی و غیراقتصادی بوده و دستخوش فراز و نشیب‌های گسترده می‌باشد و تأثیرپذیری شدید بازار سرمایه از مسائل غیراقتصادی کشور، امکان پیش‌بینی روند تحولات بازار را از فعالان این حوزه سلب نموده و این شرایط باعث بروز بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی شده است. همچنین با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالا جهت رشد و توسعه بازار سرمایه در ایران، تهدیدها در کنار جذابیت‌های موجود در فعالیت‌های غیرمولد و موازی بازار سرمایه، باعث عدم توسعه این بازار در کشور شده‌اند. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳)

از جمله عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- عامل امکانات ۲- مکان‌یابی (به عنوان مثال: منطقه ویژه ارس و نزدیکی به ترکیه به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری منطقه و دروازه مبادلات تجاری با کشورهای اروپایی باعث شده که این منطقه بتواند سرمایه‌های بسیاری را جذب کند) ۳- عامل



اقتصادی (بهبود خدمات توانسته است بر عدالت ادراک شده مشتری از خدمات تأثیرگذار باشد) ۴- عامل حمایتی ۵- عوامل سیاسی شامل معافیت مالیاتی برای انواع فعالیت‌های اقتصادی، معافیت از عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات ۶- مدیریت فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی سازماندهی، بسیج منابع و امکانات (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹)

اصلاح برخی سطوح نهادی از جمله سطح نهادی کلان که غالباً با استفاده از مؤلفه‌های شاخص حکمرانی مورد سنجش قرار می‌گیرد در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مفید هستند اما لازم است به اصلاحات در سطح نهادی خرد و نیز اصلاحات در مؤلفه‌هایی از سطح نهادی کلان که بر سطح نهادی خرد مؤثرند و بر امنیت حقوق مالکیت دلالت دارند نیز توجه شود. (جانی، ۱۳۹۶) وجود منابع طبیعی، یکی از عناصر اصلی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد در کنار این عامل، متغیر حاکمیت قانون و سلامت نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارند. (جررزاده، ۱۳۹۸) تحقیق بر روی ۲۷ کشور منتخب از جمله ایران نشان می‌دهد که تولید ناخالص ملی، نرخ ارز و نرخ بهره بر FDI تأثیرگذار هستند. (رئوفی و همکاران، ۱۳۹۰)

تولید ناخالص داخلی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت دارد اما نرخ بهره واقعی دارای تأثیر منفی است. (رئوفی، ۱۳۹۰) جهت جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توجه به زیرساخت‌های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی، توجه به کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، توجه به کارایی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار، و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور شاید بتواند منجر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. (داوودی و همکاران، ۱۳۸۳)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثری مثبت بر رشد اقتصادی کشورها دارد، بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق انباشت سرمایه فیزیکی به طور مستقیم منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد و به عنوان موتور رشد اقتصادی در این کشورها مطرح است، در نتیجه سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای افزایش رشد اقتصادی این کشورها پیشنهاد می‌گردد. سرمایه‌گذاری داخلی نیز اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها دارد، بنابراین سیاست‌هایی که منجر به افزایش سرمایه‌گذاری داخلی می‌گردد می‌تواند در افزایش رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. درجه باز بودن تجاری و سرمایه‌انسانی نیز بر سطح رشد اقتصادی اثر مثبت و معنا داری دارد. بر این اساس، این کشورها می‌توانند با افزایش سطح سرمایه‌انسانی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مناسب به صورت مستقیم بهره‌وری و رشد اقتصادی خود را افزایش دهند. همچنین باز نمودن درجه تجاری کشور از طریق بهبود توان رقابتی بنگاه‌های کشور امکان ورود محصولات تولیدی کشورهای فوق به بازارهای جهانی را فراهم خواهد نمود که رشد اقتصادی بالاتری را به همراه خواهد داشت، اما در مقابل متغیرهای تورم و توسعه مالی آثار منفی و معنا داری بر رشد اقتصادی داشته‌اند و سیاست‌های کاهش تورم جهت افزایش رشد اقتصادی پیشنهاد می‌گردند. دلیل اثر بازدارنده توسعه مالی این کشورها بر رشد اقتصادی را می‌توان در ناکارایی مکانیزم تخصیص اعتبارات دانست. این کشورها می‌توانند از طریق نظارت بر سیستم بانکداری و وضع قوانین قوی در بخش مالی کارایی بخش مالی خود را بهبود بخشند. متغیر مخارج مصرفی دولت نیز ضریب مثبت داشته است، اما از لحاظ آماری اثر معنا داری بر رشد اقتصادی این مجموعه از کشورها نداشته است. بر اساس نتایج رشد اقتصادی اثر مثبت و معنا داری بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی این مجموعه از کشورها داشته است و با افزایش رشد اقتصادی رونق اقتصادی و افزایش ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی منجر به افزایش سطح سرمایه‌گذاری داخلی شده است، بنابراین سیاست‌های محرک رشد اقتصادی در جهت گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این مجموعه از کشورها پیشنهاد می‌گردد. همچنین مشاهده شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم



خارجی آثار مکمل بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها دارد و منجر به افزایش میزان سرمایه‌گذاری داخلی شده است، بنابراین سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند علاوه بر اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر رشد اقتصادی بر میزان سرمایه‌گذاری داخلی کشورهای فوق نیز اثر مثبت داشته باشد. توسعه مالی نیز منجر به افزایش سطح سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها از طریق کاهش محدودیت‌های مالی آن‌ها شده است، بنابراین پیشنهاد می‌گردد این مجموعه از کشورها با توجه به سیاست‌های توسعه مالی مناسب امکان افزایش سطح سرمایه‌گذاری را فراهم آورند، اما باید توجه شود که سیاست‌های فوق با در نظر گرفتن سیاست‌های نظارتی مناسب صورت گیرد، زیرا در کشورهای در حال توسعه، توسعه مالی همراه با تورم و رشد بخش‌های نامولد اقتصاد همراه می‌باشد که آثار مضر برای اقتصاد به همراه خواهند داشت. اما تورم که دارای ضریب مثبت می‌باشد، اثر معناداری بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها نداشته است. متغیر مخارج مصرفی دولت نیز اثر مثبت و بی معنی بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته است. اما درجه باز بودن تجاری اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته است و این موضوع بیانگر آن است که با افزایش درجه باز بودن تجاری در اقتصاد این کشورها و گسترش فضای رقابتی از سوددهی بنگاه‌های داخلی کاسته شده و در نتیجه آن از میزان سرمایه‌گذاری داخلی می‌کاهد، در نتیجه سیاست باز نمودن درجه تجاری این کشورها می‌بایست با سیاست‌های مناسب حمایت از بنگاه‌های داخلی همراه باشد. (خانی زاده امیری و همکاران، ۱۳۹۲)

8

پیشنهادهات:

توجه دولت به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع و بخش‌های موجود آن. ارتقای بنگاه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی به کشورمان و ایجاد شرایط لازم برای آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های سرمایه‌گذاری آتی. کاهش تاثیر تورم بر رشد هزینه سرمایه‌گذاری پروژه‌ها؛

منابع و ماخذ:

- برخوردار، سجاد (۱۳۸۶). "سرمایه‌گذاری خارجی در س بد مالی". تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- تقوی، مهدی (۱۳۸۲). "اصول علم اقتصاد". تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- جانی، سیاوش (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر سطوح مختلف نهادی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۵، ش ۹۳، ۳۳۴-۳۰۷.
- جررزاده، علیرضا، برزکار، اسحاق (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر تحریم اقتصادی و سایر عوامل بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو اوپک، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۱۵، ش ۶۰، ۷۵-۵۱.
- حاجی، غ.ع. اصغری، م. (۱۳۹۰) تأثیر خصوصی و عمومی سرمایه‌گذاری روی رشد اقتصادی، اقتصاد کاربردی، ۱۲-۹۹.
- حسینی، میرمهدی، مقدم، متینه، موسی زاده، محمدعلی، فرح گل، پوریا (۱۳۹۹)، ارائه الگویی برای تعیین عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری در مناطق تجاری-خارجی ارس، رهیافتی در مدیریت بازرگانی، ش ۱، صص ۳۲-۲۳



خانزادی، آزاد، حیدریان، مریم، مرادی، سارا (۱۳۹۷)، بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در استان‌های ایران، اقتصاد و الگوسازی، سال ۹، ش ۱

خان زاده امیری، مجتبی، طیبی، سید کمیل، پورشهبابی، فرشید، کاظمی، الهام (۱۳۹۲)، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجاری بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی)، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۱، ش ۶۷، ۱۵۲-۱۳۱.

خداویسی، حسن، صفرزاده، قادر (۱۳۹۸)، اثر نامتقارن تورم بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۴، ش ۴، ۹۴۵-۹۱۷.

داوودی، پرویز، شاهمرادی، اکبر (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۰، ۱۱۳-۸۱.

دودانگی، محمد (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۶، ش ۲۳، ۱۴۷-۱۳۱.

رحمانی، تیمور (۱۳۸۰)، "اقتصاد کلان (جلد دوم)". تهران، انتشارات برادران، چاپ دوم.

رئوفی، حمیدرضا، قلم زن نیکو، کاملیا (۱۳۹۰)، عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۷ کشور منتخب (پیشرفته و در حال توسعه) از جمله ایران، اقتصاد مالی و توسعه، دوره ۵، ش ۱۴، ۱۳۷-۱۱۶.

سعیدی، علی، میعاد، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی، پژوهش‌های امور اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ش ۴۱، ۲۰۰-۱۸۰.

مهدوی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). "تحلیلی بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی". مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 181-208

کریمی، افشین (۱۳۸۷). "آسیب شناسی بازار سرمایه در ایران و چالش‌های پی‌شرو". تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، شماره ۱۶

Andinuur, J. (2013). Inflation, Foreign Direct Investment and Economic

Growth in Ghana. Master Thesis University of Ghana, available at: <http://ugspace.ug.edu.gh>.

Berclay, L.A. (2000). Foreign Direct Investment in Emerging Economies: Corporate Strategy and Investment Behavior in the Caribbean. Routledge, London and New York.

Hansen, H. Rand, J. (2006), On the Causal Links Between FDI and Growth in Developing Countries, The world Economy, volume 29, 21-41. -1

Obiamaka P.E., Onwumere, J.U., & Okpara, G.C. (2011). Foreign direct investment and economic growth in Nigeria: A granger causality analysis, International Journal of Current Research, 3 (11), 225-232.

9th International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

10 March 2022 - Tehran

نهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۱۹ اسفند ۱۴۰۰



Pourshahabi, F., Mahmoudinia, D. & E. Salimi Soderjani (2011), "FDI, Human Capital, Economic Freedom and Growth in OECD Countries", *Research Journal of International Studies*, Vol. 19, PP. 71-81.

Shirley, M. M. (2008). *Institutions and Development*. Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing Limited.

Sineviciene, L. & Railiene, G., (2015). The Nexus between Government Size, Tax Burden and Private Investment. *Procardia - Social and Behavioral Sciences*, 213, 485 – 490.

Tu, Y., Dai, W. & Tan, X. (2011). "Technology Spillovers of FDI in ASEAN Sourcing from Local and Abroad", *International Economic Studies*, 38(1), 69-80.

Usman Arshad, M. & et al (2012), The Determinants of Capital Inflow in Developing Economies an Empirical Study of Pull Factors, ISSN 2090-4304, *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, Vol. 2, No. 10, PP. 9764-9769.

Valli, M., & Masih, M. (2014). Is there any causality between inflation and FDI in an „inflation targeting“ regime? Evidence from South Africa, available at: <https://mpira.ub.uni-muenchen.de/60246/>